

تحلیل معادل‌پذیری اصطلاحات نحو زبان روسی در زبان فارسی

فاطمه محمدی

دانشجوی رشته زبان روسی، مقطع دکتری، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

mybluesky2727@gmail.com

واژه‌های کلیدی: اصطلاحات نحو، معادل‌پذیری، رویکردشناختی، زبان روسی، زبان فارسی

اصطلاح به‌عنوان واحد اصلی علم اصطلاح‌شناسی می‌تواند از نقطه‌نظر کاملاً متفاوتی بررسی شود. ماهیت چندبعدی و بین‌رشته‌ای بودن اصطلاح در دهه‌های اخیر، منجر به ظهور مکاتب مختلف در حوزه اصطلاح‌شناسی شده است. به عقیده گرینوف-گرینویچ، از رویکردهای اصلی مطالعه و بررسی اصطلاحات، می‌توان به سه رویکرد شناختی، کاربردی و عملی آن اشاره کرد.

در رویکرد شناختی، اصطلاح پدیده‌ای است که در روند شناخت، انتقال از مفهوم به سمت تجلی و تداعی بیرون آن مرتبط با یک نظریه خاص یا یک مفهوم منعکس‌کننده یک زمینه خاص دانش، به وجود می‌آید، شکل می‌پذیرد و عمیق‌تر می‌شود «لیچیک، ۲۰۰۷: ۲۱».

علوم نشانه‌شناسی و معناشناسی ارتباطی تنگاتنگ با علم اصطلاح‌شناسی شناختی دارند و به موضوع اصطلاح در دو حوزه محتوا و بیان (روساخت و زیرساخت) می‌پردازند. به عقیده گرینوف-گرینویچ وقوع چهار صورت در تقابل دو حوزه روساخت و زیرساخت را می‌توان محتمل دانست: ۱. تطابق کامل دو حوزه، ۲. تطابق نداشتن و همپوشانی دو حوزه زیرساخت و روساخت (در کلمات وام گرفته شده)، ۳. تطابق یک شکل از روساخت با چندین شکل زیرساخت (چندمعنا بودن یک اصطلاح) و ۴. تطابق یک شکل از زیرساخت با چندین شکل روساخت [گرینویچ-گرینویچ، ۱۹۹۳: ۹۲-۹۵].

از نقطه‌نظر مکاتب روسیه که بیشتر به جنبه روساختی اصطلاحات و ویژگی نظام‌مند بودن مجموعه‌های واژگانی می‌پردازند، اصطلاحات براساس ارکان تشکیل‌دهنده خود به دو گونه اصطلاح-واژه و اصطلاح-گروه‌واژه تقسیم می‌شوند.

اصطلاح-واژه‌ها معمولاً براساس تعلقشان به اجزای کلام و ساختار تکواژی خود طبقه‌بندی می‌شوند. اصطلاح-گروه‌واژه‌ها براساس پیوند نحوی میان اجزای تشکیل‌دهنده خود به اصطلاحات دارای پیوند

همسانی، حاکمیت و هم‌نشینی تقسیم می‌شوند. علاوه بر دسته‌بندی ذکر شده اصطلاح-گروه‌واژه‌ها براساس اینکه از چند جزو پایه تشکیل شده باشند، خود به دو قسمتی، سه قسمتی و چندقسمتی تقسیم می‌شوند.

نتایج تحلیل بررسی‌های انجام‌شده روی ۳۰۳ اصطلاح نحو دستور زبان روسی نشان می‌دهد درصد قابل توجهی از اصطلاحات (۸۴٪)، از نوع اصطلاح-گروه‌واژه هستند؛ یعنی تعداد ۲۵۷ اصطلاح و اصطلاح-واژه‌ها سهم کوچکی از این تعداد (۴۶ عدد) را به خود اختصاص داده‌اند (۱۶٪). درصد بالای اصطلاح-گروه‌واژه شاید گواه بر سهم بالای روابط نوع-گونه‌ای باشند که عبارت‌اند از اشتقاق یک یا چند اصطلاح از یک اصطلاح پایه با تلفیق معنایی آن‌ها از راه اضافه شدن اجزای کلام توصیف‌کننده یا مقیدکننده؛ به‌عنوان مثال از اصطلاح «جمله» در نحو زبان روسی بیش از ۳۰ اصطلاح ساخته شده است: جمله ساده، جمله مرکب، جمله یک رکنی، جمله چند رکنی و ...

با مقایسه ۱۰۱ اصطلاح نحو معادل در زبان فارسی مشخص شد که بیش از ۸۰ درصد موارد اصطلاح-گروه‌واژه هستند. اصطلاح-گروه‌واژه‌ها از نظر ساختمان تشکیل‌دهنده خود به دو جزئی (۶۶٪)، سه جزئی (۳۴٪) و چند جزئی (۱۰٪) تقسیم می‌شوند.

با مقایسه اصطلاحات نحو زبان روسی و معادل‌های آن‌ها در زبان فارسی می‌توان درباره تطابق‌پذیری آن‌ها در دو سطح روساخت و زیرساخت به دسته‌بندی‌های زیر رسید:

۱. تطابق کامل در دو حوزه روساخت و زیرساخت:

در این گروه تطابق روساخت و زیرساخت برای اصطلاح روسی و معادل فارسی متناظر دیده می‌شود.

| Персидский эквивалент | Русский термин |
|-----------------------|----------------------------------|
| جمله نهاد مستتر | Неопределенно-личное предложение |
| گزاره وصفی | Акъективное сказуемое |
| گروه نهادی | Блок подлежащего |
| جمله افزوده | Вводное предложение |
| جمله پرسشی | Вопросительное предложение |
| واحد نحوی | Синтаксическая единица |

۲. تطابق کامل در حوزه زیرساخت

اصطلاحات این گروه در مقایسه با گروه قبلی نشان می‌دهد: هرچند که می‌توان وجود چنین مفاهیمی را در زبان فارسی متصور شد، اما در دستور زبان فارسی این اصطلاحات به‌صورت مستقل، هویتی از خود ندارند و تشریح و توصیف نشده‌اند. مثلاً برای *бессоюзное сложное предложение* روساخت مشابهی در زبان فارسی تعریف نشده است، اما وجود چنین ترکیبی مثل سارا وارد شد، در را بست و پیش او رفت. [Сара вошла, закрыла за собой дверь и подошла к нему] نشان می‌دهد

که در زبان فارسی مفهوم متناظری برای اصطلاح مذکور وجود دارد. این تطابق نداشتن در حوزه زیرساخت را می‌توان نتیجه تفاوت در دیدگاه زبان‌شناسان ایرانی دانست. به مثال‌های بالا توجه کنید.

| Персидский эквивалент | Русский термин |
|-----------------------------|--|
| متمم حرف اضافه | Беспредложное дополнение |
| کلمه وابسته گروه (واژه) | Зависимое слово словосочетания |
| جزو سازنده جمله (جمله ساده) | Компонент предложения (простого предложения) |
| هسته سازنده جمله | Конструктивное ядро предложения |
| متمم حرف اضافه | Беспредложное дополнение |
| کلمه وابسته گروه (واژه) | Зависимое слово словосочетания |

۱. تطابق ناقص

در این شکل از تطابق برای مفهومی در حوزه نحو زبان روسی، متناظر ناکاملی برای معادل فارسی اصطلاح مذکور در نحو زبان فارسی وجود دارد. شباهت اصطلاحات نحو در دو زبان روسی و فارسی در حوزه زیرساخت قابل مشاهده است، اما با تحلیل در حوزه روساخت می‌توان دریافت که مفهوم‌های متفاوتی از یک اصطلاح در هر کدام از زبان‌ها درک می‌شود؛ به‌عنوان مثال اصطلاح «جمله بدون شخص» و پیشنهاد اصطلاحی به‌جز اصطلاح موجود مثلاً: «جمله غیرشخصی»

| Персидский эквивалент | Русский термин |
|-----------------------|----------------|
| وابستگی | Подчинение |
| گروه‌واژه | Словосочетание |

۲. عدم وجود معادل متناظر

در این گروه از اصطلاحات، معادل متناظری در حوزه زیرساخت در زبان فارسی یافت نمی‌شود و انتقال مفاهیم از طریق گرده‌برداری یا ترجمه توصیفی انتقال می‌یابند. اصطلاحاتی چون:

| Персидский эквивалент | Русский термин |
|------------------------|--|
| تقسیم‌بندی موضوعی جمله | Актуальноечление предложения |
| گزاره ثانویه | Второстепенное сказуемое |
| جمله مضاف‌الیهی | Генитивное предложение |
| گزاره فعلی-اسمی | Глагольно-именное сказуемое |
| جمله دورکنی ناهم‌هنگ | Несогласованное двусоставное предложение |
| جمله تکرکنی مصدری | Инфинитивное предложение |

References

منابع

۱. فرشیدورد خسرو، دستور مفصل امروز برپایه زبان‌شناسی جدید: شامل پژوهش‌های تازه‌ای درباره آواشناسی و صرف و نحو فارسی معاصر و مقایسه آن با قواعد دستوری، تهران: سخن، ۱۳۸۲.
۲. انوری حسن، دستور زبان فارسی ۲، تهران: فاطمی، ۱۳۷۶.
۳. احمدی گیوی حسن، دستور زبان فارسی ۱، تهران: فاطمی، ۱۳۷۴.
۴. مشکوه‌الدینی مهدی، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹.
۵. وفايي عباسعلي، دستور توصيفي: براساس واحدهای زبان فارسی، تهران: سخن، ۱۳۹۲.
6. Гринев С. В. (1993) Введение в терминоведение. — М., Московский Лицей, 1993.
7. Лейчик В.М. Терминоведение: предмет, методы, структура. Изд. 3-е. М.: Издательство ЛКИ, 2007. 256 с.